

# گیلان

(مدیر مؤلف...م.ظ.)  
 سر دبیر - محمد علی  
 (عنوان مراسلات)  
 (رشت) جریده (گیلان)  
 مراسلات بی امضاء معروف طبع  
 نمی شود اداره در جرح و تعدیلش مختارست  
 مکاتب وارده مسترد خواهد شد

(قیمت اشتراك)  
 (رشت) سالیانه ۶ ماهه ۳ ماهه  
 ۳۰ قران ۱۷ قران ۱۰ قران  
 (ولایات داخله)  
 ۳۵ قران ۲۰ قران ۱۲ قران  
 تک نمره در رشت سه شاهی  
 سایر بلاد يك عباسی  
 اعلان در صفحه اول سطرى ده شاهی  
 در صفحه آخر سطرى پنج شاهی

(روزنامه ملی آزادی سیاسی تاریخی تجارتی مقالات عام المنفعه با امضاء قبول و در انتشارش اداره آزاد است)

## خیر مقدم

ایالت جلیله گیلان جناب... آقای یمن الممالک  
 در شب ۲۶ شهریور جاری ورود برشت فرمودند  
 هیئت تحریریه گیلان صمیمانه عرض تبریک  
 کرده و ضمناً خواطر محترم ایشان را  
 جلب باین نکته مینمائیم در موقعی ورود  
 فرمودید که گیلان را مرکز اعمال غرض  
 و غفلت گرفتار محذورات داخلی و خارجی  
 نموده صفحه طوالت دچار غارت های مکرر  
 الدوله . ادارات در حالی است که نمیتواند  
 ترتیب اداری را قائل شده با جمله کلیه  
 بی غرضان منتظرند که با فعالیت و جدیت  
 سر بمانانیک تاریخی را در اسایش اهالی گیلان  
 تحصیل فرموده ،

انطوریکه جناب مخبر السلطنه صفحه  
 آذر بایجان را منظم فرمودند و دست  
 تجاوز مفسدین را کوتاه نمود جناب عالی  
 هم بالاتر و بهتر از او رفتار فرمائید موفقیت  
 ان وجود مبارک را مستثنا داریم و منتظر  
 اقدامات کافی جناب عالی هستیم امید داریم  
 که صفحات چریده ما بامدها مملو از ذکر خیر  
 اقدامات حسنه جناب عالی باشد ،

## (نیت پاك لازم است)

در مسجد اگر چه بایاز آمده ایم  
 حقا که نه از بهر نماز آمده ایم  
 زین جا روزی سجاده دزدیدیم  
 چون آمده شده است باز آمده ایم  
 ترقی مگوس و می قهرانی پنجساله ما ایرانیان  
 خواصه اختلافات دوره اخیر بروز هوا و هوس

رفتار کیف ما یثانی زمامداران امور ثابت نمود  
 که از آغاز کارالی کنون نیت خالص باک نداشتیم هر  
 يك را هوسی در دل و سودانی در سر ؟

شروطه خواهی . آزادی طلبی ، حمایت  
 رنجبیر . غمخواری وطن ، ووو . تمام الت  
 وصول بقصود و دست آویز برای اجرای خیالات  
 شخصی بوده است و بس !!

عده مختصری که دارای نیت خالص بوده  
 هستند از موضوع سخن خارج و در جلب اکثریت  
 هواپرستان مغلوب و مضطربند .

در طهران خدمت سید بزرگوار مؤسس آزادی  
 عرض کردند امور مملکت بی ترتیب است جواب  
 فرمودند باید هم بعد زیرا مشروطه ندارید ا  
 چرا - برای اینکه ارضیم الب خواهان مشروطیت  
 نبوده و نیستید هر يك برای مقصودی سالك این  
 صراط شدید یکی هوای وزارت دامت ، دیگری  
 آرزوی وکالت ، یکی طالب حکومت بود ، آن دیگر  
 مایل سلطنت ، جمعی اعتیاد حکومت ایگارش ،  
 یکی بی اختیار دیکتاتوری . حزبی اخذ ثروت ریاست  
 و . . . . .

اوضاع دربار استبدادی ، غفلت و بی خردی  
 مصادر ان روزی ، قیام مظلومین باقتضای طبیعت  
 عالم موقتاً جمع بین اضداد نموده صاحبان مقاصد  
 معلومه را در برداشت یک دستگاه هرج مرج متفق ساخت  
 ضمناً عده قلیل از آزادی خواهان واقعی هم برای  
 راحت ملت مظلوم حمایت ان جمع را غنیمت دانسته  
 پس از ان همه زد و خورد ها ، جنگها ، اتلاف نفوس  
 و ثروتها ، بالاخره محمد علی میرزا و اتباعش را  
 مخدول و اسما حاکمیت را بمشروطه معرفی نمودند  
 ان وقت بنای اخذ نتایج شد بجای آنکه عیوه عدل و  
 داد تنظیم ادارات ، وضع و اجرای قانون ، تفلیک  
 نواء قضایه مقننه و مجریه از همه دیگر حفظ استقلال  
 مملکت ، تعمیم معارف ، ازدیاد ثروت ، تهیه مشون

بسطباط عدالت را پیش بگیرند بکس هر کدام  
 بارزوهای دیرینه خود مشغول بکار شدند و در خط  
 اجرای خیالات شخصی بنای حرکت را گذاشتند !!!  
 چون سلیقه ها و خیالات مختلف بود اجرای  
 مقصود یکی بمقاصد ان دیگر ضرر دامت در  
 مقام حمله و دفاع از هم دیگر برآمدند ؟؟

چندی نگذشت ایران صفحه کشمکش مبارزان  
 مشروطه نما گردید ؟ یکی وزیر شد دیگری وزارت  
 اورا سد پیشرفت مقاصد خود دید عده آ برهنه  
 بود با خود همراه کرد اورا از مقامش هبوط داد  
 خود بجای اولست دیگری دویمی را محل خود  
 دید بهمان ترتیب اورا از میان برداشت خود  
 مصدر کار شد !!

اختلافات روز بروز کسب عدت نموده احرار امر  
 بصورت مسلک جاوه گر جمعی خود را باعتدالی  
 بستند ، عده لگمه دموگراتی و حمایت رنجبران را  
 ورد زبان ساختند

(و حال آنکه از حقیقت آن بی خبرند)  
 لومی اتفاق ترقی . حزبی اقلابی رولسیونر ترقی  
 خواه - حربهای مسلک را در دست و با مرغ مسلکی  
 در خرابه های ایران بنای پرواز را گذاشتند !!

هواپرستان از جهالت و بی علمی مردم استفاده کرده  
 کم کم دعواهای شیخی و نشرعی ، سنی . و شیعه  
 حیدری و نمئی بصورت مسلکهای اعتدالی دموگراتی  
 انقلابی جلوه نمود !! يك نفر يك ایالت را متلاطم  
 خود مضربید در خرابی او کوهبیده دیگری يك قطعه  
 از مملکت را مانع از اجرای خیالات خود بد دست از آستین  
 يك کابینه در آورده آن قطعه را بانواع زحمات دچار نمود  
 دیگری مملکتی را دید که با قدرت خود اورا باغی  
 درجه بزرگی سوق دادند معنی است روزی هم محل  
 خیالات او بولند در صد خراب کردن آن محل و قتل  
 و اعدام سالین آن بر آمد !!

تالیع سوء آیین همه بد نیتی ها و هوس رانی ها و  
 و خیالات بی پایه شخصی دامن گیر يك مشت مردم  
 بریشان سرگردان ظلم دیده خسارت کشیده جان مال  
 داده شد که امروز پس از پنج سال زحمت و فداکاری  
 آرزوی استیقاد دوره ناصری را میکشند ؟  
 هر چه در ادارات می بینند و هر که را در مسند وزارت  
 امانت و کالت ریاست مشاهده میکنند بدون ملاحظه ترات  
 همه آتش شیرالسلطنه ها ، امیر بهادرها ، عین الدوله ها ،  
 و امثال آنهاست آن وقت مالیات و جریمه میدادند تعظیم  
 و تکریم میکردند ولی عرض و ناموس آنها ، حقوق می ماند اما  
 امروزه پول میدهند مالیات با کدام مختلفه و جریمه تقدیم  
 میکنند تعظیم و سجده می نمایند باز از اقدامات و زرای تجدد  
 خواه عرض و لا موس جان و مال آنها هم محفوظ است ؟  
 بدبختانه ملت هم بی علم جاهل از حقوق خود بی خبر  
 از مزایای مشروطیت و از تکالیف دولت مشروطه  
 پیاره آخری از وظایف وکیل - وزیر - رئیس - امین  
 بی اطلاع صرف اطمینان بی ربط یکسره صاحب حسن  
 توجه خجالت نکشیم غافل از همه چیز باین اسباب  
 میدان آرزومندان برتری وسیع هر قدر می توانند  
 می تازند بلیاس مشروطه عهد کثیفه قدیمه را  
 در مات مال و جان داده تجدید می نمایند ؟  
 علت تمام این بدبختیا عدم نیات خالصانه پیشروان  
 کار بوده زیرا اگر نیت پاک بود اتفاق را محکم  
 میدادند تا امروز بسا دردهای ما دوا می شد  
 بدی نیات الهاست که یکی از بزرگان سیاسی و از  
 اشخاص عالم کار آگاه تاریخی سه ماه است متصدی  
 مشاغل سلطنتی است با آن علم و احاطه خود نتوان  
 است در مقابل نهات سوء موجبات راحت ملت و مملکت را  
 فراهم کند ؟ بعد از این اقدامات علاج کار را مختصر عرض  
 میکنیم ملت عزیز خود را متوجه می سازیم ای برادران  
 خسارت دیده زحمت کشیده ای اهالی مملکت ای صاحبان  
 اصلی ایران ای بی چاره گانی که از غایت پاک  
 دلی گرفتار هزاران قرب و دسایس این و آن شدید  
 بداندید که در دهای امروزی مملکت دوا نخواهد شد  
 مگر شما وظایف حقه ملیت و خصوصیات مشروطیت  
 وکیل و وزیر را بداندید و بفهمید . اطمینان بیچاره  
 کنار بگذارید هر که مانع آزادی و سبب اختلاف امور  
 میدانید بهر طریقی که مضرت استقلال و قومیت همان باشد  
 بر طرف کنید و بقوه ملیت مجازات را که  
 وحشت ان برای احدی قدرت خیانت و خود سری  
 نخواهد گذاشت در مملکت بر طبق قوانین الهی و  
 قواعد جاریه مملکتی جربان دهید تا این ذلتها این  
 فلاکتها این خود سری ها و بوالهوسی ها بر طرف زیاده  
 از این هماغوش خسارات مادی و معنوی نباشد ؟

واضح تر عرض میکنیم باین مسلك ها این هوس  
 رانی ها پارتیه بازی ها با وجود این خود خواهان  
 و بی جهت عزیزان با ترتیبات حالیه و اوضاع جاریه  
 هیچ باری بسرمئزل مقصود نخواهد رسید انجام  
 گشمنگ های موجوده ، مصادف به آغاز اسارت و بندگی  
 شما در دست اجانب خواهد بود ؟  
 ای وزراء ای وکلاء ای کارداران تمام دولت ای معبوثان  
 ملت یکسال لیم از تشکیل پارلمالی امروزی میگذرد  
 چه دردی را دوا نمودید کدام اصلاحات را  
 در مملکت گردید کدام قانونی را وضع و اجری  
 فرمودید کدام مظلوم را ازید ظالم خلاص فرمودید  
 و کدام امنیت را به بلاد دادید هر روزه يك نطمه  
 از قطعات مملکت از رفتار غارت و چپاول مگر مالدوله  
 هاشمه ناموس ثروتها بیادرفته و میروند !!!  
 باز هم محض ادای مسئولیت قلم بی عرضه عرض  
 میکنیم بیمانه صبر اهالی لبریز دیگر طاق و لحمل  
 نمالده عنقریب هریک از شما هاد ر نظرمات منظورتر  
 از امیر بهادر هاشمه قطره هائی بکام شما خواهند  
 چکانید که هزار مرتبه از حنظل تلخ تر باشد ؟  
 جدیداً توجه ملت را جلب نموده عرض میکنم  
 بی نائی و بیداری از وظایف حتمیه شماست هر قدر  
 سکوت کنید حقوق حقه شماها دستخوش اغراض  
 مفرضین می شود .

فرباد از روسها

دیپلوماسی روس بطوری تراکت بین الدول را  
 فراوش کرده اند و مرتکب بعضی حرکات وحشیانه  
 میشوند که قلم شرم از نگارش آن دارد  
 حسینعلی کالش که یکی از رعایای ایران است و دولت  
 در صدد دستگیری اوست قونسول اردیل نگاه تند  
 کردن به پست را وسیله خود قرارداد با یک اردوی  
 منظم سه ماست صفحات استارا را مورد تاخت از خود  
 قرارداد است چه قدرها اموال رعایای بی طرف را  
 غارت نمودند ای ساخانه ها را خراب و سوزانیده اند  
 عیال و اطفال رعایای مظلوم را در بیابان سرگردان  
 و بریشان نموده اند يك دم معتبر معروف (ورمولی)  
 را تاراج نمودند که حسنی را میخواستیم دستگیر  
 نمائیم از طرف دولت ایران حکم بدستگیری حسنی  
 میشود اردوی ایران را ممانعت می نمایند سهل است  
 اشراری را که گرفته بودند میگیرندرها میکنند و آن  
 وقت خودشان را این ده بان ده تاخت تازمی نمایند و حالا  
 ورود بکران رود نموده عوض آنکه اردوی دولتی ما  
 آنها را خلع سلاح ننندیم که آنها از بیاد تفتنجی های ولانش  
 خلع سلاح میکنند و گوسفند رعایار اباکوا میزنند !!!  
 مامنصلین دنیا را به شدت میسلب و حرکات وحشیانه

الها را شرح میدهم و وجدان انسانهای دنیا را حکم  
 قرار میدهم  
 حقوق صیادان اترلی با مال میشود (چرا)  
 زیرا غاصب مستخدم قونسول روس است ؟  
 مالیات لوالل بلدی را مانع میشوند چرا از آبادی  
 شهر خلاف میل قونسول روس است ؟  
 هشت هزار تومان پول خوب دارها از بین میرود  
 چرا - زیرا عبدالله لنگرالی رعیت روس است  
 دکان افتخار التجار را دزدیدند سارق را میگیرند  
 رعیت روس است نمیگذارد در لطمه استنطاق خود  
 پلیس را میزند . ضارب رعیت روس است  
 لاسقاریدیس موزر بند جلو خود می اندازد چرا - زیرا  
 خودش در حمایت بانک روس و موزر بند هار رعیت روسند  
 طولانی غوغا میشود چرا زیرا محمد آلی قونسولی با هم  
 وصول حقوق زورکی علی اف رعیت روس میشود میگذرد .  
 ولیخان اشجع لدوله باغی و متبردمیشود چرا زیرا پناهنده  
 انگط روس است کرکان رود بتاراج میرود چرا  
 زیرا سردار امجد ارتجاعی و گیلش عیبا زینالی  
 ارمنی تاجر باقی روس است !!!  
 اطفال مردم را بزور میکشند . . .  
 چرا زیرا کشنده شیخ اسلام روس است  
 در هر کار اقدام میشود تحریک روس است روس است  
 روس .  
 دیگر بیمانه صبر اهالی لبریز و طالت این همه خود سری  
 بکفر دیپلوماسی ندارند .  
 از بدو رولسیون الی کتون هر ظام و هر وحشیگری  
 از آنها بظهور رسید ملت تراکت را منظور داشته  
 است ولی امروز کار بناوس کشیده است و هیچ وقت  
 حاضر باین ظلم وحش نیستند .  
 ای وزراء ای وکلاء اگر مملکت مال ایرانی است  
 این خود سری و وحشیگری از چه ماخذ و بکدام قانون  
 درباره مجاری میشود اگر . . .  
 ملت تکلیف خود را بدانند وقت  
 ( یا جان رسد بجانان یا جان زتن براید )  
 ( قابل توجه حضرت رئیس الوزراء )  
 در تلگراف مبارک اشعار فرمودید که من اهالی  
 گیلان را خوب میشناسم ابناء وطن خصوصی  
 حضرت اشرف را  
 ( حیرت اندر حیرت آمد ز من قصص )  
 گویا خواطر مبارک حضرت اشرف هم مسبوق  
 باشد که گیلانیان هم حضرت اشرف را بهتر  
 از . . . میشناسند و میدانند که حضرت اشرف  
 در موسم استغناء چیزی را که در نظر ندارند همان  
 وطن خصوصی شماست ؟  
 چه قدر بدبختی است که امروز گیلان بایم

بهین و گنر و هلال تر عضو خود فولاد عملا حالی کند که احدی را قدرت تجاوز به گیلان و گیلانی نیست تا اینکه هم که شد بیاره ملا حظات بوده است باینکه گیلانی را پیشانیه زمان رولسیون گمیته ستار کسیون جنگ فتح لزوین حرکت اردوهای مجاهدین مکاتب سری وعلنی باحضرت اشرف تا تسخیر طهران وسوانح عرض راه ووو، همه را بسوق هسیددیگر چراهیک مکرم الدوله خائن برخلاف هر قانون و انصاف قدرت قتل نفس رعایای مظلوم غارت اموالها بریادی ناموس ها میدهد باینکه حکمران جزویک ایالت سرکاش باحاکم کل ویاوزارت داخله است حضرت اشرف همه این مراتب را زیریاری اراده مقدسه خود گذاشته مستقیما بمکرم الدوله معایرات کرده اوامر صادر میکنید اوراجری در قتل و غارت مفرمائید گویا منتظرید که گیلانیان نمکرم الدوله باقی بگذارند نه سطوت حامیان اورا ای حضرت رفیقش الوزراء وای وزیر داخله طالش خراب عد ناموس اهالی ملک زده بیادرفت اموال انها تاراج عد تمام طوا لش مسلم نفوذ اجنبی گردید ماده مستعد گیلانیان تردیک باهتجار است تازود است جبر کسور و جبران گذشته فرمائید هم دولت را دچار اشکال هم ملت را بقیام عمومی وادار فرمائید

(وضع طوالش)

ناب مدیر جریده گیلان دام ایاله . این هفته که حالات لراکزوردا عرض نکردم بواسطه امنیت بود زیرا از طرف مکرم الدوله سپرده است که در تمام راهها قزاق و سوار گذاشته اند ممکن نیست که بیلنفر بدون باشرط وحق جواز این طرف عبور نماید داستالی است که تا کسی با چشم دیده نپسند اعتقاد نخواهد کرد فلاکر کارود یک مستقل واداری قرالی هده است هر که وارد باید حق سکنا بدهد هر که خارج شود باید جواز بدهد در دوازدهم شهر جمادی الاول بمحمد حسین پاپروسی اریلیجی برای وصول خود وارد لراکزوردهد شب درخاله مشهدی نام هر آبادی که از دوستانش بود منزل نمود اعد از هب گذشته چند نفر قزاق بخانه شهدی ورود می نمایند بازوان حاجی محمد حسین جدی پایلخته تفک حاجی محمد حسین را به بیچاره دودمه غش مینماید هر قدر بیچاره که الایان من بیکانهام لراکزودی نیست ابروس فروش اتزلی هستم برای وصول

مطالبات خود آندم بخرج لرفه بلکه جری عدند بنای فحش بمشروطه و اساس ان گذاشتند مبلغ چهل تومان پول از طلب وصول کرده بود ان پول را برداشته سوار شدند حاجی محمد حسین را در جلوسا پنداخته نیمه شب بردند سر بازار فردای ان روز حاجی محمد حسین را بردند اوطاق سرا استنطاق نمودند معلوم شد که بی چاره از اهل اتزلی است انوقت عوض اینکه پول اورا پس بدهند چند فحش دیگر دادند که چرا در همهجه وقت بلرکانرود آمدی . یاری دولمره از روزنامه مبارکه رسید ولی در پوستخانه شفا رود تویلف نمودند خداوند شاهد است ظلم را بدرجه رسالیده اند که باهیچ وصف بشر نمی آید در هر خانه یکنفر قزاق و دولفر سوار کاهری منزل نمودند در تمام خانها یکنفر مرد یافت نمی شود تمام لراری بکوه و صحرا هدهاند زنها باید پذیرائی روز و شب و . . . قزاق سوار را بکنند ناموس بیچارگان بیاد رفت بقبر این مشروطه خواهی اف بر این مسلمانی حالیه از بریدن سرگوسفند خسته هدهاند در همان جا که نشسته اند با کوله بین تندالوقت باین زنه های بیچاره حکم میکنند که پوست بکنند کیاب حاضر کنند بعد از غارت خانها و گرفتن رشوها و بی سیرت کردن زنها ترسیدند که شاید برشت یا استارا بروند شکایت کنند چند نفر را بحیله و تدویر بدام آوردند حسین و زنجیر نموده اند و بزنها میگویند که برای شوهران خود پیغام بدهید که اگر رشت یا استارا بر ویده این هارا که در حبس داریم خواهیم نشت اعضا خصیکه فلا در حبس هستند از این فرار است .

(دخدا افالی) (حاجی شیر خا) (افاده بیک) (شاهرخ بیک) (محمد پسر کر بلانی فتح لله) (الله قلی میان گوئی) (طهماس بیک) (افالی طولرودی) (پاشاه طولرودی) [کد خدا شیرین علی بسر کر م مقتول]

بقیه دارد

(سردار امجد و خیر الکلام)

بلی از عادات طبیعی اوقات بهار است که جمله وحوش و طیور بصدامیابند از انجمله بلبل در باغها در میان ریاحین بصدا های شیرین دلفریب مردم را فریفته صدای خوش خود مینماید . در همان حین مشاهده میشود از یک گوشه خرابه در میان علف زار یک خر لنگک بصدا در آمده است و از صوت خشن خود جمعی را مشغول واز شنیدن نعمات بابلی محروم مینماید ؟ گویا این عادت بهائمی در بعضی از . . . هم تو لید شده است ، در حینیکه ما قام در دست گرفته ایم و قایم بدبختی خودمان را شرح میدهم

و ملت عزیز خود را دعوت بانحاد و اتفاق مینمائیم در وقتیکه استقلال وطن محبوب ما در چهار موچه غرقاب فنا سیر مینماید باید دست بدانان اتجاد زده بانحاد ملی و قوای جامعه اسلامی وطن خود را از این غرقاب نجات دهیم بدبختانه مشاهده میشود از یک گوشه بیک مدیر . . . صدای خود را بدهد بلند نموده و روح ایرانیست اسلامیت را از بوی تفسن صدای خود . . . نموده است . آقای خیر الکلام در کدام نمره ما بشما بد نوشیم که به از مدتی باند مقالات مضحک بایک بیانات خشن نشر میدهند دفاع از لونسول روس نمودید ساکت ماندم . مفاخر الملک را مشروطه طلب خواندید و ایجن ایالتی را دشنام دادید صبر نمودیم ، حامی غاصبین حقوق صیادان اتزلی شدید اعتنا نکردیم ، علما را شیهه به . . . نمودید حرف تردیم ، عموم ملت گیلان را که نه لحاف نوشیدمات بعضی اقدامات خواستند نمایند مانع شدیم ، حالا از همه جا دست شما کوتاه گاهی پرواز به تبریز مینمائی جناب ، خیر السلطنه را بدم فحش میگویی بکدامه هم قرانی از تبریز بکرانزور دورود می نمائی ولیخانان عجم الدوله که بادگار شمربن ذاجوش ذیابی است زیر او راهبر همان در عیب احمیاء حکم بکشتن چهار نفر میدهد و در حضور او تبرهاران میکنند و خودت در روز نامهات ان و قائم را شرح داده ای امروز برای چند تن توان رشوه اورا اول اپیرال ، اول مظلوم اول حامی رشخیر فلم میدهی رعایای الجار را تمرد باغی میدانی

ز رخ دروا واله عیضا کند

خواصه مقلس را که خوش رسوا کند

افای الفصح در عیب چهارهاله با صد شما برای چه منزل مکرم الدوله رفت و ارتول شما سلام رساند که ملاحظه نمودید در دونمره از شما حمایت نموده ام چه وقت اجازه بدهید شرفیاب شوم یکی از نزدیکان مکرم الدوله جواب داد موافق ملاقات روز است نه شب اگر میگویند کذب است بمحکمه جزا عارض شوید ما را جلب ببدلیه تمام تا ثابت کنیم افای الفصح روز سه شنبه بانفاق میرزا علی اصغر هزار در منزل سردار امجد چه میلمودید و روی کاغذ آبی سردار امجد چه نوشت بشما داد اگر میگویند نیست او زاهم عارض شوید تا ما ثابت نمائیم . افای الفصح ملت دیگر گول شما را خواهد خورد و در شوه گیری شما مثل آفتاب روغن شده است عجب داریم فرقه دو گرگات شما را از خود نمی دانند و میگویند الفصح دو گرگات دروغی است وای شما خود را دو گرگات میدانید و حمایت از اولی خان و سردار امجد میکنند

و اینست که (انضامات السلطنته) در این کتاب  
 آگاهی عام را به سلطانیه در کدام نوبت چه بوده و گیلانیه از  
 عهد ائمه است و این مقدمه است و شماره اخبار با جانشینان  
 و ادله و توفیق و بهر آنکه در کتب معتبره الکلام احادیث است  
 و می نویسد به حضرت زین العابدین و در آنجا که از حضرت  
 دارد و غلطه و ضعیف است و میگوید که ما از همان اوقات  
 در خون و دیده از دستهای ایشان و در کتب معتبره  
 حا الی این که ما توفیق به حضرت ایزد کردیم لایم و اینست  
 که ما هم بر آن واقع بودیم بنویسیم به انصاف و انصاف  
 خوب آقای حضرت با شفاعت اگر شما خائف نبودید که  
 چرا از این برکت آمده و توفیق به حضرت حاجی میرزا  
 خلیل صاحب ۱۹۸۰ هجری که در آنجا که در آنجا که  
 اگر حضرت زین العابدین را در آنجا که در آنجا که  
 بگرفتند و در آنجا که در آنجا که در آنجا که  
 از آنکه در آنجا که در آنجا که در آنجا که  
 اگر حضرت زین العابدین را در آنجا که در آنجا که  
 بود و چرا به حاجی میرزا خلیل که در آنجا که  
 نماید که چرا در آنجا که در آنجا که در آنجا که  
 اگر شما فراری نبودید چرا در آنجا که در آنجا که  
 مستعد آن اظهارات را به مدینه جریده ما نمودید در  
 وقتیکه ما اقامت از آنجا که در آنجا که در آنجا که  
 میشود که چرا در آنجا که در آنجا که در آنجا که  
 سپیدار باضراع السلطنته که در آنجا که در آنجا که  
 بدستگیری اوداده است این عنوان در کدام نوبت در چه  
 ستون و در کدام سطر است با مدلل نمائید  
 یاردان مکتوب را به مدینه والا

مدیر محترم جریده شفق بخواند

عزیز من حالیه که سئوال تمام و جمل تمام از راهی استحقاق  
 در محبت بکنفر مجبور از وطن و یک فرقه تشکله  
 باسم حامی رنجبر بکنی فراموش کردید افلا نوعی  
 فرمائید نکارغات شما سخره اطفال سر گذر ها  
 لباعد  
 اینده در نوبت (۳۲) در ضمن اخبار داخله  
 می نویسد در محبت با حضرت میرزا خلیل صاحب  
 بدلتان رفت مقصود چیست و منزل کدام است  
 این نگارش شما بخوبی است و بهر آنکه در آنجا که  
 از فتح طهران تا کنون مسافرتی نکردم است ایام  
 از دست و بمنزله و بود انصاف و در آنجا که  
 و فانی جامیان سرود ان محبتی به حضرت زین العابدین  
 است باقیاصد حقه آن گویا شصده هزار نفر  
 همراه با چند صد راجه شان در آنجا که  
 که در آنجا که در آنجا که در آنجا که  
 از مردمی که با هم حمایت آنها میخواستند

دیگاری را با این راه که در آنجا که در آنجا که  
 نکارغات نیاید داشته و این را که در آنجا که  
 بی اطلاع از اوضاع ایران و از اخبار الانی جریده  
 میباشد لکن کماله توفیق در این راه و سینه انگریز  
 نکارغات بی اصل و قدر است که در آنجا که  
 ترسم از زین العابدین که در آنجا که در آنجا که  
 اینست که در آنجا که در آنجا که در آنجا که  
 اینست که در آنجا که در آنجا که در آنجا که

تلنگ افانست

تلگراف حضرت . آیه الله خراسانی  
 زاصر برشت  
 نفع الاسلام و المسالین آقای حاجی شیخ حسن دامت  
 بر کافه جناب مستطاب ملاذ الامام آقای افاضت ساعده الله  
 در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که  
 لایقه در ورود ایشان کابلان جناب عالی بامول  
 میانه و المسلمین با این راه و محله کاظم الخراسانی

در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که  
 فدای آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که  
 آزادی و خیریت و اوجدهایک جناب مستطاب  
 علمیه حضرت زین العابدین که در آنجا که در آنجا که  
 استقلال مملکت و تأیید اتحاد اسلامیان اظهر من الشمس  
 است امیدواریم ملت گیلان قدر خدمات ایشان را  
 منظور داشته و آنچه لازمه بزرگوار است در باره  
 معظم لایه بعمل بیاورند

جناب مستطاب نفع الاسلام آقای حاجی شیخ حسن

دامت تا ابد در این (و مهم که جناب مستطاب الاجل اسلام)  
 شریعتهم از آقای حاجی میرزا حسن سلمه الله (ظلی و واقف)  
 گیلانیه در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که  
 و احترام های آن در حق ایشان متفنی است (ظلی و واقف)

تلگراف از شیراز

بعموم آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که  
 گرفتاری بکنی توام بختن تدابیر حکیمانه ایست که در آنجا که  
 حضرت به نظام السلطنته دامت شرفه انصاف و انصاف  
 و اتخاذ امنیتی که به خیالی اجدی از داخله و خارجه با این  
 ترتیب و تمامیت خطور نمی کرد که استدعا در خواست  
 تکمیل عمل و ابقاء امنیت موجوده لایق است با تمام  
 فوری بی توام و یاس کایه اشرا از این صقعه بود  
 از اولیای آنور گردیم نتیجه بخشید وعد انجده شد  
 اوامر الملک از ۱۹۳۱ از دست ما مورین دولتی که در آنجا که  
 و بهر وسول شاه انگلیس بنا نهاده شده و در این چند روز  
 ایام تخصص مشاوره الیه التوجه است توسط و رابط دولتی  
 و مشاورات علامه کابرا و در آنجا که در آنجا که

جوانان و بهر آنکه در آنجا که در آنجا که در آنجا که  
 و غیر بر روی که در آنجا که در آنجا که در آنجا که  
 و ظهور انقلابی تازه کالی توانست بود از مرکز رسید  
 مددحالات مسدودت کارانه اوامر الملک و مایه تحریر  
 اشرا میشد برای جلوگیری از خطرات آنست  
 عموم طبقات عالی و دانیه مملکت با هیجان  
 فوق العاده در تکرار خانه مبارکه عموما تعطیل و متحصن  
 از مصادر امور در خواست اجرای مقصود مقدس  
 خود را نموده اند و در آنجا که در آنجا که در آنجا که  
 از باره اقدامات کرده اند محض تذکار خاطران  
 برادران و جناب توجه به مراتب مروره بایک اوای  
 جگر کداز از آن برادران ایران دوست استمداد  
 طلبیدم استرحام و مینمایم و عرض میکنم ای گیلانیه  
 خاک پاک ایران را وطن مقدس و خانه موروثی  
 خود میدانید در موقع مهم باریک باملت فارس  
 هم اواز شده آنچه مقتضای اخوت ایرانی و اسلامیت  
 استی بفرستد و سایر بلاد اظهار داشته میری با روح

شرایطه اولام الملک را که یکانه و دلیل بقای امنیت  
 موجوده املت بخوانید و شوقه جواره اعیان حقانین  
 وطن و ملتین مرتری که پیرو خام سلطنت  
 استبدادی مطلقه اند در دینک طمع و که احقا نه  
 خود میبزد جاوگیری فرایند علاج واقعه قبل از وقوع  
 باید کرد ملت متحصنین تا کراخوله نمره ۹۷ تاریخ

۱۸ جمادی الاول نمره ۳۲۱ عریضه عموم متحصنین

تلگرافخانه است که ما اولت این ذوات محترمه را  
 تمنا فرمائید و معلوم است به مقتضای حب و دوستی  
 وطن سرمد در انجام تمنیات ایشان اقدام میفرمائید  
 رئیس انجمن ایالتی و کربل الدوله مهدی  
 حضور انجمن محترم ایالتی کبیه اداره ایالتی و عدلیه  
 جلیله جریده گیلان و کنکاش خیر الکلام میرزا علی  
 خان مجاهد فقاری نایب الحکومه رود سر بحکم  
 ارفع الملک حکم انکار و دست ده هزاره خانه تقدیمی  
 حبیب باو کجاستی فرستاده تحت الحفظ بدوون عاری  
 و تصویب از او سرزند به تمام او را برود و سر از او  
 بعد از جوابه و جریده را خصص نمودند در وقتیکه  
 قانون این تحول خلاف قانون این علمورین ادوات نایب  
 برای اهل ایالتی امنیت نیست استمدعی انش به دان به حق  
 مجازات تقصیر رفیع شیخ این طور حکام  
 را از مظلومین بهر مانید از طرف جاگران که  
 را نکوه و نکرود عرض شد است حسب الله اقامه  
 شکر الله واعظ آساید عبدالوهاب آقا میرزا  
 واعظ الشیخ محمد علی مجتهد آلامیخ حسین اما  
 سید محمد اسماعیل مساج مشرفی جن

صفحه ۵  
 فضل الله خان  
 محمد کدخدائی  
 لنگرودی حاج  
 تاجر عبدالحمید  
 (ایشان)  
 انجن محترم  
 کنکاش عدم رعای  
 توسطیت تفصیل  
 قانون و تجدید  
 نتیجه بداده پار  
 ملت لاهیجان  
 و غیره بملایند  
 ولت لاهیجان  
 است مفر خود  
 عدل کده انوب  
 مجازات داده کرد  
 گردد  
 جناب الفیض بدر  
 جناب الفیض حسن  
 جناب الفیض حسن  
 الفیض جواد مجتهد  
 الی حجه الله جناب  
 جناب حاجی شیخ  
 شیخ رضای تاجر  
 محمد اسمعیل تاجر  
 الی محمد علی  
 حاجی علی آصفی  
 الی حسین تاجر  
 الی عبدالملکی تاجر  
 الی محمد انور  
 الی التاج محمد  
 الی محمد صادق  
 محمد حسن  
 الی اهل العلم  
 معین الرعایا اهل  
 علی تاجر علی  
 الاحقر محمد  
 (طهران)  
 آرزو مطوم  
 کمودامت

فضل الله خان نعمت الله خان مشهدی رحمت گدخدا  
محمد گدخدائی فتح الله خان نایب ارالای موسی  
لقارودی حاج احمد نصرالله علی اکبر آقا فتحعلی  
تاجر عبدالعزیز الحسینی میر بلوک

( ایضا تلگراف از لاهیجان برست )

انجمن محترم ایالتی کبیر ایالت جلیله و جریده گیلان  
کنکاش عدم رعایت قانون را در انتخاب سه نفر وکیل  
کوسطیت تفصیل عرض کرده است دعای تحقیق خلاف  
قانون و تجدید انتخاب سه نفر وکیل را منتظر تا قانون  
نتیجه داده پاره اشخاص آتوب طلب هر روز باسم  
ملت لاهیجان هرا بضع جعلی شکایت از حکومت  
و غیره مینمایند میخواهند شهر را بگریه اغتشاش  
و علت لاهیجان را بدنام کرده بمقصود برسند مستدعی  
است مقرر شود انتخاب سه نفر وکیل از روی قانون  
عمل آمده آتوب طلب را هر که هست پس از تحقیقات  
مجازات داده که رفع اغتشاش شده و عبرت دیگران  
گردد .

جناب افاعیغ عبدالرسول مجتهد جناب افای شریعتمدار  
جناب افاعیغ حسین مجتهد جناب افسوسد حسین قای مجتهد  
جناب افاعیغ حسین مجتهد جناب افای جلیل العلماء جناب  
افاعیغ جواد مجتهد جناب افاعیغ جعفر سلمه الله جناب  
افای حجه الله جناب افای میرزا احمد الکریم جناب معین الاسلام  
جناب حاجی شیخ عبدالله تاجر فخر الممالک حاجی  
شیخ رضای تاجر نجم الدین اقل عبدالعزیز تاجر اقل  
محمد اسماعیل تاجر اقل حسین تاجر جناب محقق الملک  
اقل محمد علی تاجر اقل حسن تاجر اقل محمد تاجر  
حاجی علی اصغر تاجر جناب حاجی شیخ محمود تاجر  
اقل حسین تاجر اقل کاظم تاجر اقل محمد حسن تاجر  
اقل عبدالملکی تاجر اقل محمد جعفر تاجر مهدی الحسینی  
اقل محمد ابن رضا اقل محمد تقی محمد ابن علیرضا  
اقل التاجر محمد حسن اقل علینقی اقل یوسف ابن ابراهیم  
اقل محمد صادق تاجر حبیب الله ابن ابراهیم اقل اهل العلم  
محمد حسن اقل محمد تاجر اقل التاجر احمد الحسینی  
اقل اهل العلم محمد اقل التاجر علی بن علیرضا  
معین الرعايا اقل رمضان تاجر الاحقر خلیل اقل محمد  
علی تاجر علی رضای تاجر اقل التاجر علی حسن الحسینی  
الاحقر محمد صادق و پنجاه دولر امضای دیگر

اخبار خله

( طهران ) - ممتاز الدوله وزیر مالیه استعفاداده است  
از قرار معلوم گویا در حساب معین بوشهری خدمه  
لموده است .

لاهیجان مخبر ما بنویسد ایله ۱۵ شهر  
جاری محمد علی نام مفتش عدایه و آدمنش در وقتیکه  
بمترزل رئیس عدلیه میر تقی غفلتایکنفر از عقب باکارد  
مشارایه را مجروح می نمایند و مشکل است بهودی  
حاصل نماید و ضارب هم معلوم نیست  
از قراریکه شیوع دارد بین محمدخان رئیس اجرا  
و محمدعلی مفتش نزاعی شده است محمدخان ادم  
خود را که افائی نام با عدم حرکت شده است و او محمدعلی را  
مجروح نموده است و افائاتی در نظمیة توفیق است  
تا استنطاق شود از قرار خبر اخیر بدون استنطاق سر  
داده اند (۱) ظمیة لاهیجان اسمی است که رسمی سید سالار  
نمیسر بطوری جری شده که علی الرئوس ارزن های  
فواحش حمایت می کند و از هر یک ماهانه میگیرد لیله ۱۶  
هر جاری برای گرفتن مالیات ماهانه از جواد نام مطرب  
در بازار افتضاحی را آورده که م شرم از نکارش ن دارد  
محمدخان رئیس اجرا خانه کرایه کرده و در آن  
خانه از هر جور . . . یافت میشود شب روز مشغول  
فما و غرب . . . هستند بطوری جری شده اند  
که حکومت از جلو گیری عاجز است و تمام لفته  
لاهیجان را این جوان مینماید ا

( گیلان )

ما از محمدخان شکایت کنیم یا از اولیای مصادرامور  
آخرین محمدخان چه کاره است گاهی انجمن دائر  
میکند مرد مرا دعوت بشورش مینماید گاهی در عدلیه  
را قفل میکند مگوید کسی حق ورود بدلیه را ندارد  
زمانی خانه اجاره میکند قمارخانه و . . . میشود  
مرد مرا زخمی میکند آباء محمدخان ایلخانی بشایل  
بزرگ است جلو گیری ممکن نیست یا محمدخان باید  
تمام لاهیجان را خراب نماید و بعد از چند قتل بفکرا و  
افتاد ما از انجمن محترم ایالتی و ایالت جلیله جدا  
درخواست مینمائیم که این گونه اترار را اولاً  
از سفلی دولتی معزول و بعد یک دونه را مجازات  
قانونی بدهند تا مستخدمین دیگر بوظیفه خود عمل  
نمایند .

( انزلی )

میرزا علی خان ملقب بزایون بعد از آن هده فضاحت  
که بالا آورده بود از ریاست نظمیة استعفا داده است  
فلا اداره نظمیة مختل است .

( قابل توجه عموم ملت گیلان )

بعد از انفصال کمپانی گوشت و خوردن هفت هزار  
تومان پول چوب دارهای فلبک زده البته خواطر  
مبارکتان است مسبوق است که قصابها چه بی اعتدالی  
ها نمودند ولیمت گوشت را با قیمت جان قابل

داستند و یوم یوم در ترفلی بوده و بله از ما بهتر میدانید  
که اغلب سکنه آرزوی گوشت را داشتند ولی بی چاره  
ها نمی توانستند یکس هجده قران گوشت بخرند انهم  
میش و بز . . . حالیه که چند نفر از تجار همت  
فرموده اند و تاسیس قصابی نموده اند و گوشت را  
یکمن دوازده قران قیمت گذاشته اند بازان چند نفر  
قصاب طرار خجالت نمی کشند دوکان باز کرده  
در مقابل شرکت قصابی آنها هم گوشت را یکمن  
دوازده قران بیفروشدند که بلکه شرکت قصابی را دل  
سرد نمایند منفصل شود باز به مثل سابق گوشت را  
به دلخواه خودشان بفروشد . .  
ما از عموم ملت خود درخواست می نمائیم که خرید  
گوشت را از شرکت قصابی نمایند تا آن چند نفر طرار  
بدانند که اگر یک روز ملت محتاج شد نباید با آنها  
آن قدرها سخت گیری نمود و هم به ملت خود وعده  
میدهیم که اگر خرید خودشان را منحصر به شرکت  
قصابی نمایند تا چند یوم دیگر یکمن بقران از قیمت  
حالیه تخفیف داده میشود امیدواریم که من بعد  
دکاکین شرکت قصابی را مقدم دانسته و شرکت  
قصابی هم یوم به یوم دراز زیاد دکاکین و تخفیف  
قیمت جهد وای خواهد نمود

اخبار شهری

( مریضخانه ملی )

یوم دوعلیه ۲۳ شهر جاری چهار ساعت از روز  
گذشته بواسطه گرم نمودن حمام مریضخانه آتش  
سرایت به مریضخانه می نماید بفاصله نیم ساعت این  
بنای قشنگ با خاک یکسان میشود و چند نفر مریض را  
که مشغول معالجه بودند در حیاط مریضخانه میان  
آفتاب بلامکان ماندند انجمن محترم ایالتی و انجمن  
معارف مجلسی تشکیل داده جمعی از اهالی را در  
روز سه شنبه ۲۴ چهار ساعت بفروب مانده در همان  
محوطه دعوت نمودند آقایان مدعوبین حاضر شدند  
سپس یکنفر ازشاگردان مدرسه شمس نطق مفصلی  
قرائت نمود و اهالی را در دادن اعانه تشویق نمود  
و پنجاه تومان قدا از طرف مدرسه شمس اعانه داده  
بمدجناب . . . آقا سید عبدالوهاب وکیل  
محترم انجمن ایالتی سرالاستاده نطق مفصلی فرمودند  
که سایان بسی تمجید است پس از لطق جناب معظم اله  
دفتر آعانه باز شد بفاصله نیم ساعت مقداری آعانه جمع  
گردید و حال آنکه اکثر اهالی تشریف نیاورده بودند ما  
در این موقع از عموم آقایان آعانه دهنده کان ادای تشکر  
می نمائیم و از حضرت احدیت بقای آن ذوات محترم را  
خواهائیم و امیدواریم سایر آقایان که تشریف نیاوردند  
همت فرموده در دادن آعانه خودداری نفرمایند و مادر  
نمره بعد اسامی آعانه دهندگان را خواهیم بررض  
لارئین عظام رسالید .

بارک‌الله دانشا کسیون

بورا نام یونانی که هر سال مقداری تخم نوغان وارد رشت مینمود اما سال هم مقداری تخم نوغان آورده چون تخم نوغان گران بود تمام را قدا فروخت باظهار خود بورا دوهزارو هفتصدمنات روسی پول داشت .

یوم سه شنبه ۲۳ چهار ساعت از روز گذشته بورا از راه خمامت فرنگ می نماید دریک فرسنگ نیمی شهررد (کویخ) سافرارنی از جنگل باموزر بیرون میبند جلو در شکه را گرفته دوفتر بالای درشکه میروند اول درشکه چی و بورا را جستجو میکنند که مبادا دارای اسلحه باشند وقتیکه خواطر جمع شدند وبادستمال چشم یونانی را بسته هر مقدار پول که داشت بر میدارند باپاشنه موزر یونانی مذکور را میزنند سر و صورت مسیو را بجروح نموده و مسیورا از درشکه پائین می کشند بزبان ارمنی میگفتند اول درشکه چی را باید گشت بعد مسیو را یکنفر از آنها راضی نشد گفت اول مسیو را به بریم جنگل کار او را تمام کنیم بعد درشکه چی را خواهیم گشت چون درشکه چی بزبان ارمنی آشنا بود بگریه در آمده دست پای آنها را بوسه میدهد و عجز لابه مینماید که از کشتن من بگذرد من کسی نخواهم گفت بالاخره یکنفر را مستحفظ درشکه چی قرار میدهند و شال گمر درشکه چی را باز کرده مشغول بستن کتف مسیو بورا میشوند بی چاره از ترس جان با آن بی مرو تان مشغول گشکش می شود یکنفر آنها را توی خندقی پرتاب میکند آن یکنفر که مستحفظ درشکه چی بود بحمايت رفیقهای خود می آید درشکه چی فرصت غنیمت شمرده بطرف شهر فرار می نماید دو نفر ارمنی از مسیو دست برداشته درشکه را دلبال میکنند بی دربی تیرخالی میکنند . که درشکه را سوراخ سوراخ و یک اسب هم کاوله خورد ولی بدرشکه چی صدمه نرسید در این اثنا مسیو متوحش شده یکنفر مستحفظ خود را در توی دره پرت می نماید فرار میکند باصله چند قدم خود را در توی اب رودخانه پنهان مینماید دوفتر ارمنی از در شکه چی مابوس شدند مراجعت کردند دیدند مسیو هم فرار کرده است قدری از رفیق خود مواخذه نموده از ترس فرار میکنند !

بعد از یکساعت این خبر ب اداره نظمییه رسیده فوراً از طرف معاون نظمییه عدله پلیس و ژاندارم جمعیت امین کندر خان کمیسر بانجمل فرستاده شد

باز طرف دیگر بقاسمخان کمیسر هم سفارش دادند که مواظب راه خمامت و باغچه چهارشنبه بنظمییه راپورت دادند که این سه نفر ارمنی در خانه شامیرزانام ارمنی هستند از طرف نظمییه و اعطازاده بمنزل شاه میرزا رفته اورا دستگیر می نمایند سه ساعت از دسته گذشته (مارکار) و (مار کوس) راهم اسم خان کمیسر دستگیر نموده با اشیاء ذیل جلب بنظمییه می نمایند . (تفتک سه تیر دولتی) [موزر] (نمب سبولی) (فتک) یک قبضه ۳ قبضه ۱ عدد یک کیسه بعد از استنطاق شاه میرزا و مارکوس منکر صرف شدند بعد از استنطاقهای زیاد مارکوس عاجز مانده اقرار نمود و اظهار نمود که من پادشاه میرزا در خانه بودیم مارکار خیر آورد که مسیو (بورا) درشکه گرفته میروند فوراً شاه میرزا ماراساج کرد روانه شدیم و در آن مکان در میان جنگل پنهان شدیم مرتکب این کار شدیم و یواها را در زیر باغچه شاه میرزا پنهان کرده ایم بعد از اقرار و اعطازاده مستنطق اداره بانایب محمدخان و باخود مارکوس بخله شامیرزافره بولهای ذیل را از زیر دیوار بیرون آورده تحویل اداره مینمایند !! (منات روسی بالصدمنائی ۳ عدد منات پنج مناتی ۹ عدد هزار و پانصد منات ۴۵ منات پول ایران فیرزه کوچک یا قوت کوچک پیاده بیست پنج تومان پنج هزار ۱۰ عدد ۲ عدد

گیلان

ما از دستگیری سارمین اولاً به نظمییه و کمیسر هالبریک میگوئیم و ثانیاً نظر آیالت جلیله را به فراهم نمودن آسایش پلیس و ژاندارم جلب می نمائیم و باید مأمون از همه چه نظمییه بود که بانر سیدن حقوق و با آنکه مسؤولیت خارج شهر و وظیفه آنها نیست این طور مواظبت دارند و فراموش نمیکنم عقاوت این چند نفر را در چند شب قبل که با آن خلخالی های بی چاره نمودند و یکصد و پانزده تومان آنها را بردند و یکنفر را مقتول نمودند ما از آیالت جلیله مجازات این بی شرفان را جدا خواهیم که تا عبرت سایرین شود

(نمایش اخلاقی)

بهترین وسائل بیداری ملت نمایش اخلاقی است زیرا نمایش اخلاقی تمام عادات رزیه را در پرده نمایش جلوه میدهد و بطوریکه از نمایش اخلاقی امروزه استفاده میتوان نمود از سایرین ممکن نیست لیله شنبه ۲۸ شهر جاری نمایش بزوهان رشت از برای گسر بودجه مدرسه اخوت نمایش بسیار عالی دادند و در پرده اول که حاوی از مکتب قدیم و مدارس جدید بود . سپس دولفر از شاگردان مدرسه اخوت مترجم بسرودی شدند که جالب انظار حاضرین شد و بعد یکنفر از شاگرد مدرسه که پسر مجید خان شفتی و در سن ده سالگی است خطابه ایراد نمودند که بحضرت ضریح رفت روی داده و ما عینان خطابه را محض آگاهی فارغین عظام درج نمودیم و همی هدم

(بنام خداوند بخشنده مهربان)

منم که دیده بدیدار علم کردم باز چه شکر گویمت ای کردگار بنده لواز لك الحمد والمنة بقدرت کامه دانای کارساز بهمت و مجاهدت فدائیان جان باز ما کبو تران بی بال و پر خرم اسلامی از پنجه حرص و آرزو شربازان جهل و ظلم جانتکداز خلاصی جسته آرام آرام با هزاران عجز و نیاز سر از اعیان هو لنک مجاز بیرون آورده . آهسته آهسته در هوا های عام و قدس و حقیقت به پرواز آمده ایم چه که بقنای تاریخ . به تصدیق مورخین . به شهادت غلای سلف . باضای علمای خلف . ما حوضه جامعه ایرانیان از سلسله و دو دمان پادشاهان عجم . و تیره و تشیخه خسروان معظم اولین بکه تا ز صفحات الون نخستین شجاعان عرصات علم و صنایع و تمدن بوده هستیم

هان ای سران تاجدار مفتح . هان ای فرزندان فرمان فرمایان مکرم . هان ای مفتخرین اهل عالم . هان ای منسختبین بنی آدم . هان ای وارثان تاج و تخت کیانی . هان ای شهزادگان ملک جهان بانی . امروز که روز طلوع آفتاب عالمات دولت است . امروز که روز ظهور اقبال ییز و آل ملت است . امروز که روز بروز فتوت و همت است . امروز که روز ثرول اجلال و شوکت است امروز که روز وصول تالیخ و نیک نامی است امروز که روز حصول مقاصد حقه اسلامی است امروز که روز تحصیل علم و تمدن و ثروت است امروز که روز تکمیل استعداد و صنعت و تجارت است امروز که روز فراغت و آسایش است . امروز که روز نمایش و آرایش است . جهدی کنید و سعی نمائید

خریزید که هان نه وقت بازی است وقت هنر است و کار ساز می است انون ما نونهالان این بوستان خود روئی از این دندان و از جان رطب اللسان تشکرات قلبی خود را در پیشگاه محترم بن هیئت اجتماعیه و حوضه اسلامییه که قائدان ما مصومان معتمدین و مریبان مانو گلان پاک دامن هستند با کمال ادب تقدیم و پرهای ملکات خود را گسترده بامزگان دیده کان غبار اقدام شریف گرامی شان را بیدر فرقه و میبندیریم و همواره توفیقات سعاعی جمیله شان را در ترویج معارف و تشکیل مدارس و تکمیل مکاتب و ترتیبها لوباوکان که بهترین وسیله نجات و خوشترین و دیده حیات ملک و ملت است از درگاه حضرت ذوالجلال و خداوند مقال مسئلت مینمائیم

(قتل)

برای حفر رودخانه در شده یکنفر مقتول و دوسه نفر مجروح شده اند قاتل غیر معلوم پس از تحقیق مفصلاً در نمره آتی خواهیم نکات